

کنکاشی در تبار فلسفه یونان

تألیف و تحقیق

سید عابد رضوی

رضوی، عابد، ۱۳۵۴ -
 کنکاشی در تبار فلسفه یونان / تألیف و تحقیق عابد رضوی. - قم: مهر امیرالمؤمنین علیه السلام
 ۱۳۸۴، ع
 ۳۹۲ ص
 ۲۵۰۰ تومان
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
 شابک: ۶-۸۲-۸۱۷۳-۹۶۴
 کتابنامه ص ۳۹۲-۳۸۵؛ همچنین به صورت زیرنویس
 ۱. فلسفه یونان، الف، عنوان
 ۴ر ۲ف/ ۱۷۵ B
 کی ۵۹۳ ر ۱۸۰/۹۳۸



انتشارات مهر امیرالمؤمنین
 کنکاشی در تبار فلسفه یونان

مؤلف: سید عابد رضوی
 ناشر: مهر امیرالمؤمنین علیه السلام
 نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۴
 تیراژ: ۱۰۰۰
 چاپ: شریعت
 قیمت: ۲۵۰۰ تومان
 شابک: ۶-۸۲-۸۱۷۳-۹۶۴
 مرکز پخش: قم - بلوار شهید منتظری - ساختمان شهاب
 انتشارات مهر امیرالمؤمنین علیه السلام - تلفن: ۷۷۴۶۵۶۶؛ تلفکس ۷۷۴۲۹۹۷

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست

عنوان صفحه

پیشگفتار ۹

فصل اول: آشنائی با یونان باستان

۱- یونان باستان در آئینه تاریخ ۱۵

۲- دین یونان باستان ۲۵

فصل دوم: شناخت فلسفه یونان

۱- فلسفه چیست؟ ۵۵

۲- فلاسفه یونان ۹۳

۳- تأثیرپذیری فلسفه یونان از مکاتب فلسفی مشرق زمین ۱۰۳

فصل سوم: تأثیرپذیری تفکر غربی از یونان باستان

۱- یونان زدگی ۱۱۵

۲- تأثیرپذیری فلسفه سیاسی از فلسفه یونان ۱۲۸

۳- تأثیرپذیری فلسفه اخلاق از فلسفه یونان ۱۸۵

۴- تأثیرپذیری فلسفه هنر از فلسفه یونان ۲۱۹

۵- تأثیرپذیری نظام آموزشی از فلسفه یونان ۲۳۲

۶- فلسفه و یهود ۲۶۲

۷- فلسفه و مسیحیت ----- ۲۶۶

فصل چهارم: اثرات فلسفه یونان بر مشرق زمین

۱- حمله اسکندر فیلسوف به ایران ----- ۲۷۰

۲- تأثیر پذیری ایران باستان از فلسفه یونان ----- ۲۷۴

۳- مکتب اسکندریه ----- ۲۷۶

فصل پنجم: چالش های فکری مسلمین با فلسفه یونان

طبیعیات ----- ۲۸۲

۲- مابعدالطبیعه و فلسفه ----- ۳۰۵

۳- توحید و فلسفه ----- ۳۱۴

۴- نبوت و فلسفه ----- ۳۴۰

۵- معاد و فلسفه ----- ۳۴۴

۶- نقد فلسفه و علماء اسلام ----- ۳۷۳

کتابنامه ----- ۳۸۲

پیشگفتار

فلسفه یونان به عنوان زیر بنای تفکر غربی و مبنای فلسفه مسلمین کمتر مورد تحلیل بی طرفانه قرار گرفته و بیشتر بر نقل دیگران اکتفا گردیده است، این نوشته مختصر فراخوانی برای اهل تحقیق و آغازی برای این منظور محسوب می‌گردد.

فلسفه، از نظر لغت واژه‌ای یونانی است که مرکب از فیلو، بمعنای دوست داشتن و سوفیا، یعنی دانش است. کلمه فیلسوف در زبان عربی، فارسی و فلاسفر، در دیگر زبانها بر دوستدار دانش اطلاق می‌شود از دیگر معانی فلسفه علت، غایت و تفکر است، بدون تردید هیچ واژه‌ای باندازه‌ی واژه فلسفه مورد سو استفاده قرار نگرفته و مصادره به مطلوب نگردیده است، البته باید توجه داشت که معنای یک واژه را استعمال و کاربرد آن واژه مشخص می‌نماید، معنای کاربردی و عملی فلسفه نیز تفکر است زیرا دانش تجربی و وحی از حیطه فلسفه خارج است، فلاسفه مسلمان نیز مخالفین فلسفه را مخالفین تفکر و تعقل می‌نامند، فلسفه بمعنای تفکر به یونان اختصاص ندارد، بلکه تفکر شرقی مثل تفکر هند، چین، ایران، بین النهرین، قبل از یونان به رشته تحریر در آمده است، در این صورت، فلسفه (تفکر) اسلامی نیز شرح افکار و قواعد افلاطون، ارسطو نخواهد بود بلکه ملاک آن قرآن و سنت خواهد بود.

این نوشته بعد از تبیین قسمتی از تاریخ یونان و فلسفه آن دیار، به تأثیر تفکر یونانی و اثرات منفی آن بر فلسفه غرب می‌پردازد، در فصل پنجم نیز اثرات فلسفه یونان را بر فلسفه مسلمین بررسی می‌نماید زیرا جهان اسلام تاکنون دو بار با فلسفه یونان در مصاف قرار گرفته است ۱- در زمان بنی عباس با ترجمه آثار یونانی آغاز و تاکنون

ادامه دارد ۲- توسط هجمه فرهنگی غرب زیرا مبنای فکری غرب نیز یونان است. مؤلف در پی این پاسخ است که آیا فلسفه (یونانزده) توانسته است پاسخگویی مشکلات فردی و یا اجتماعی مسلمین باشد؟

مبنای منطق و فلسفه یونانی به طوری که در صفحات آتی خواهد آمد ادراکات و مفاهیم کلی ذهنی است، آیا بر فلسفه یونانزده مسلمین نیز ذهن گرائی آن غلبه ندارد؟

در غرب نیز فلسفه به فلسفه زبان و تحلیلی محدود گردیده و از ادعاهای هستی شناسانه خود به معرفت شناسی و از آن به زبان شناسی تنزل نمود و در دنیای اسلام نیز این تفکر به اثبات رسید که منطق اسلامی در زبان قرآن و سنت (عربی) موجود است و اسلام نیازی به فلسفه و منطق ذهنی یونان ندارد، منطق ارسطو، منطق هگل (تز. آنتی تز. سنتز)، منطق پوزیتیویسم (اثبات گرائی تحلیلی) با منطق اسلامی متفاوتند، بنابر این نوشته حاضر با استناد به آثار فلسفی و تاریخی سعی دارد با روش ساده به بررسی نکات ذیل پردازد:

۱- فلسفه یونان در مقابل ادیان الهی قرار دارد، جایگاه مکاتب فلسفی غرب در طول فلسفه یونان است و آن مکاتب در عرض آن نیستند، لذا با آنکه بعضی از فلاسفه جدید روش ذهن گرایانه یونانیان را نقد و بر تجربه تأکید می نمایند اما بر بیشتر آنها اصالت ماده حاکم است زیرا فلسفه (یونانزده) مبتنی بر عقلانیت مادی است و ادیان بر عقلانیت فراگیر، اعم از مادی و معنوی و ارزشهای معنوی استوار هستند و به خصوص ادیان ابراهیمی که اعتبار خود را از وحی الهی میگیرند.

۲- عمده مباحث مطرح در فلسفه رایج اسلامی شرح فلسفه یونان از دیدگاه مسلمانان است، (به طور نمونه حرکت جوهری از هراکلیتوس و مثل از افلاطون، علت و معلول و قدیم و حادث از ارسطو، بسیط الحقیقت و قاعده واحد و قوس صعودی از

فلوطین مأخوذند) فلاسفه مسلمان نیز، فلسفه را به معنای تعقل به کار می‌برند، زیرا تمام فلاسفه مخالفین فلسفه را مخالف تعقل و تفکر می‌نامند. پرواضح است تفکر اسلامی از متون اسلامی (قرآن و سنت) اعتبار می‌گیرد و از متون یونانی و شروح آنها ناشی نمی‌شود.

۳- علوم انسانی اعم از سیاست، جامعه‌شناسی، اخلاق، روان‌شناسی، اقتصاد و غیره از فلسفه (یونانزده) استخراج گردیده‌اند زیرا علوم مذکور نه تجربی هستند که به وسیله تجربه به دست آمده باشند و نه وحیانی که حاصل وحی الهی باشند بلکه حاصل تفکر بشر مادی‌گرای غربی هستند که مبتنی بر عقلانیت مادی است و در فلسفه (یونانزده) ریشه دارند و استعمارگران قدیم و نوین آنها را به صورت آکادمیک و مدرسه‌ای دسته‌بندی و ارائه نموده‌اند و به وسیله دانشگاهها و مؤسسات آموزشی و رسانه‌ها به جهانی‌سازی این علوم می‌پردازند و لذا است که به کسانی که در این علوم دکترا می‌گیرند Ph.d یعنی دکترا در فلسفه می‌گویند اعم از سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی، اخلاق، مردم‌شناسی و دیگر علوم انسانی. بر همه، فلسفه اطلاق می‌شود، این فلسفه به عنوان محصول یک فیلسوف، می‌تواند الهی یا مادی باشد اما فلسفه‌ای که بر علوم مذکور حکومت دارد، مادی است زیرا محصول فلاسفه مادی‌گرای غربی است، علوم مذکور تجربی نیز نیستند نهایت چیزی که می‌توان در مورد این علوم گفت آن است که بر استقرا استوار هستند آن هم استقرا ناقص زیرا استقرا تام غیر ممکن است و از مزایای علم تجربی بر استقرا آن است که با ابطال حتی یک مورد از اصل آن کلیت آن باطل می‌گردد، نیز علوم مذکور نتایج استقرا ناقص جوامع غربی را بر جوامع شرقی تعمیم می‌دهند و حامل بار ارزشی غربی هستند. ما معتقد به احترام خاصی برای فلاسفه مسلمان هستیم اما افکار فلسفی (یونانزده) این بزرگواران را نمی‌پذیریم و سعی ما بر آن است که بر مبنای مباحثات

علمی دلائل عدم پذیرش را بیان نماییم لذا نقد قسمتی از افکار یک فیلسوف به معنای ردّ تمام افکار او یا بی احترامی به او نیست و احیاناً اگر ناخواسته کوتاهی صورت گرفته باشد ناقابل گذشت نخواهد بود آن بخش از فلسفه اسلامی که شرح فلسفه و قواعد یونان است و با اسلام در تضادّ است، قابل دفاع نیست، امّا بخشی که ریشه در متون دین اسلام دارد قابل دفاع و محلّ احترام است که در حقیقت این بخش را نباید فلسفه (بمعنای شرح افکار یونانی) نامید بلکه آن تفکر اسلامی است. خدمات بعضی از فلاسفه اسلامی بیش از آن است که با بطلان قواعد مادی یونان کمرنگ پنداشته شود اشتباه مترجمین فلسفه یونان موجب سوء تفاهم در مورد فلسفه گردیده است، امّا با وجود ترجمه های جدید از کتب و افکار افلاطون، ارسطو دیگر دلیلی بر ادامه اشتباهات گذشته وجود ندارد که از هر جای ضرر جلوگیری شود نفع است. این نوشته آغازی برای درک و رسیدن به معنای حقیقی فلسفه اسلامی است.

فلاسفه قدیم موضوع فلسفه را به دو قسم نظری و عملی تقسیم می نمودند که فلسفه نظری ۱- طبیعیات ۲- ریاضیات ۳- الهیات را شامل میشد، قسمت عملی نیز عبارت بود از ۱- اخلاق ۲- تدبیر منزل ۳- سیاست. ما در این بخش از کتاب به نقد قسمت-هائی از طبیعیات، مابعد الطبیعه یا الهیات، اخلاق و سیاست می پردازیم و نیز اشاره ای گذرا به فلسفه هنر می نمائیم. در نوشته دیگری به تفصیل مطالب خواهیم پرداخت. در آغاز تاریخ یونان و دین یونان را مورد بررسی قرار می دهیم تا تصویر کلی از یونانیها در ذهن ترسیم گردد. لازم به ذکر است که نوشته حاضر مجموعه ای از مقالات است که بعضی از تکرار های آن حذف نگردیده است و ادّعای خالی از خطا را نیز ندارد لذا از انتقادات مستند خوانندگان عزیز استقبال می شود، لازم به ذکر است که انتقاد هائی که به فرهنگ غرب اشاره دارد بمعنای نفی محاسن غرب و

نادیده گرفتن جوانب مثبت این فرهنگ و تمدن نیست، صد نسخه از این رساله حدود دو سال قبل در اختیار بعضی از بزرگان مشهد، تهران و قم قرار گرفت که موجب غنای مطالب گردید اما به جهت اصرار دوستان به نشر آن اقدام نمودم در اینجا لازم است از تمام دوستان و بزرگوارانی که ما را در این راستا یاری نموده اند تشکر نمایم، مسئولیت تمام مطالب کتاب به عهده اینجانب است.

۸۴/۱/۹ - قم - سیدعابد رضوی